



## تفسیری بر نظام‌نامه اخلاقی سوره اسرا/۱

# چگونه زیستن

**مصطفی نیک‌اقبال:** ۱۶ آیه از سوره اسرا خلاصه حکمت زندگی است:

و قُضِيَ رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّهَا بِلِقَائِكُمْ عِنْدَ الْكَرْبِ أَحَدُكُمْ أَوْ كَلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳) وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا (۲۴) خدا فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر احسان کنید. اگر یکی شان یا هر دوی شان در کنار تو به سن پیری برسند، به آنها حتی یک «اه» هم نگو، آنها را از خود مران، با آنها با احترام حرف بزن. برای آنها در نهایت فروتنی و مهربانی باش و دعا کن: خدایا! آنها را مشمول رحمت کن، همان طور که وقتی بچه بودم، مرا با مهربانی بزرگ کردند.

در قرآن، ۳ جای دیگر نیز پس از توصیه به توحید، رعایت حال والدین مطرح شده و با همین لفظ «احسان» آمده. این لفظ بسیار بجا انتخاب شده و می‌توانست به‌جایش بگوید به هر حرفی که والدین زدند گوش کرده و از آنها اطاعت کنید. اما خدا اطاعت از والدین را نخواست، بلکه احسان به ایشان را خواسته است. فرق اطاعت و احسان از زمین تا آسمان است. اگرچه گاهی ممکن است مصداق مشترک پیدا کنند اما ذاتا متفاوتند. در اطاعت، قصد، تحصیل رضای بنده است و در احسان، قصد، تحصیل رضای خدا. لازم نیست کسی الزاما والدینش را از خود راضی کند و اصولا تحصیل رضایت مخلوق، در دین خدا، فی‌نفسه ممدوح نیست چیزی که ممدوح است، احسان به مخلوق است برای رضای خدا.

اصلا مخلوق رضایت‌بردار نیست و رضایتش معمولا هوسی بیش نیست و دنبال رضایت والدین بودن، موجب گم شدن خط تعالی و عبودیت در انسان می‌شود. لذا انسان باید آنچه را بین خود و خدا، رضایت خدا می‌داند، عمل کند، در حالی که پیوسته به والدین خویش احسان و نیکی می‌کند.

به این آیه، التفات بفرمایید: وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا عَتَكَيْتُ: ۸] به انسان سفارش کردیم به والدینش نیکی کند، اما اگر تلاش کردند چیزی را که نمی‌دانی به‌جای من بپرستی، اطاعت‌شان نکن!

و نیز این آیه: وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ [القمان: ۱۵] اما اگر پدر و مادر سعی کردند چیزهای دیگری را بی‌دلیل به‌جای من بپرستی، از آنها اطاعت مکن در حالی که در زندگی با آنها پسندیده رفتار می‌کنی؛ در عوض در امور دینی تابع کسی باش که

به درگاه من رو آورده. سرانجام، بازگشت شما به‌سوی من است و شما را از کارهای‌تان باخبر می‌کنم. این آیه از آیات کلیدی برای رفتار در منزل است و حدود تبعیت از والدین را حد می‌زند و مقید می‌کند. کلا از نظر اسلام، اطاعت از والدین واجب نیست اما احسان به آنها واجب است. این آیه هم صریحا گفته به دین خدا در پرتو معلمی که خدا سر راه‌تان قرار داده عمل کنید اما به والدین هم بی‌حرمتی نکنید، در حالی که گوش به حرف شرک‌الودشان نمی‌دهید. در این آیه شریفه ظریفی‌های لحاظ شده؛ اینکه معمولا وقتی پدر و مادر کسی متدین نیستند، او دوست یا معلمی بیرون از خانه مثلا در مدرسه یا مسجد محل پیدا می‌کند و مجذوب صفای ایمان او می‌شود. خداوند فرموده همین خط را بگیر و برو، اگر چه به مذاق والدینت خوش نیاید. به حرف آنها گوش مکن اما آنها را ترک هم مکن؛ «صَاحِبُهُمَا» یعنی آنها را از مصاحبت خود محروم نساز. یعنی قطع از پدر و مادر در چنین اوضاعی جایز نیست و در حالت عدم اطاعت هم، زندگی عادی و آرام را باید حفظ کرد. یعنی انسان در اینجا باید بین زندگی خانوادگی‌اش با طریقت معنوی‌اش تفکیک قائل شود. این راجع به احسان به والدین و معنای ظرفیتش. اما جملات بعدی آیه ۲۳ سوره اسرا: إِمَّا يَنْتَلِغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. در این فقرات، توجه می‌دهد به دورانی که انسان رشید شده و به کمال و استقلال رسیده، این زمان مقارن وقتی است که قدرت جسمانی و ذهنی در پدر و مادر در حال افول است. در این وقت آنها از لحاظ عاطفی بازمی‌گردند به حال و هوای کودکی و زودرنج و غیرمنطقی و بعضا پنهانگیر می‌شوند، همان‌طور که خود ما وقت بچگی چنین بودیم. خداوند هشدار می‌دهد حال و هوای پیری آنها را درک کنیم و نسبت به کارهای‌شان، دغدغه‌های‌شان، دخالت‌های‌شان و پنهان‌های‌شان صبور باشیم و از گل نازک‌تر به آنها نگوییم و آنها را از خود نرانیم و کریمانه یعنی با محبت و احترام با آنها سخن بگوییم؛ رَقْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ شَاءَ اللَّهُ!

توصیه به توحید، رعایت حال والدین و احسان» آمده. این لفظ بسیار بجا انتخاب شده و می‌توانست به‌جایش بگوید به هر حرفی که والدین زدند گوش کرده و از آنها اطاعت کنید. اما خدا اطاعت از والدین را نخواست، بلکه احسان به ایشان را خواسته است. فرق اطاعت و احسان از زمین تا آسمان است. اگرچه گاهی ممکن است مصداق مشترک پیدا کنند اما ذاتا متفاوتند. در اطاعت، قصد، تحصیل رضای بنده است و در احسان، قصد، تحصیل رضای خدا

توصیه به توحید، رعایت حال والدین مطرح شده و با همین لفظ «احسان» آمده. این لفظ بسیار بجا انتخاب شده و می‌توانست به‌جایش بگوید به هر حرفی که والدین زدند گوش کرده و از آنها اطاعت کنید. اما خدا اطاعت از والدین را نخواست، بلکه احسان به ایشان را خواسته است. اگرچه گاهی ممکن است مصداق مشترک پیدا کنند اما ذاتا متفاوتند. در اطاعت، قصد، تحصیل رضای بنده است و در احسان، قصد، تحصیل رضای خدا

متابعیم - انتظار داریم. شاید هم بشود گفت همان طور که با والدین خود رفتار می‌کنیم، فردای قیامت، رسول خدا(ص) با ما رفتار می‌کند.

دعایی هم که آخر آیه تعلیم داده شده، از دعاهای مختصر اما بسیار جامع قرآن است: رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا؛ خدایا! به آنها رحم کن - یعنی با آنها مهربان باش و هوای‌شان را داشته باش - چونکه با من مهربان بودند و هوایم را داشتند.

این دعا نشان می‌دهد از وظایف فرزند، دعا برای پدر و مادر است، چه زنده باشند چه مرده، و دعا برای آنها خود فرزند را مشمول رحمت می‌کند. همچنین فرزند صالح و اهل دعا داشتن، از اسباب عاقبت به خیری انسان در دنیا و آخرت است. نتیجه دیگر اینکه مهربانی با فرزند و تحمل سختی در تربیت او، در هستی گم نمی‌شود و برکتش دیر یا زود به آدم بازمی‌گردد.

مجمع‌البیان از رسول خدا(ص) روایت می‌کند پس از مرگ والدین هم، احسان به آنها باید ادامه یابد؛ با نماز خواندن برای آنها، استغفار برای‌شان، عمل به تعهدات‌شان، و صلح به دوستان‌شان.

«کافی» از رسول خدا(ص) روایت می‌کند خطاب به فرزندی فرمودند: حتی اگر والدینت تو را زدن، فقط بگو: خدا شما را ببخشد! سپس فرمودند: قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. از اینکه در اینجا خواسته فرزند برای والدین دعا کند، مستجاب بودن این دعا نتیجه گرفته می‌شود. در تمام قرآن، وقتی توصیه به دعایی کرده، قطعا آن دعا مستجاب است اگر نه خدا دستور به دعا نمی‌داد.

برهان از رسول خدا(ص) روایت می‌کند هر کس وقت خواندن این آیات، دلش برای والدینش نرم شود و برای‌شان دعا کند، بهشتی است. امام(ع) فرمودند: به اولاد احسان کن تا توابع احسان به والدین را ببری.

کافی از امام صادق(ع) راجع به عبارت «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» روایت می‌کند که با آنها خوش‌اخلاق باش و پیش از آنکه نیازشان را بگویند، خودت در برآوردنش پیش‌قدم شو.

«تورالتقلین» روایت می‌کند از رسول خدا(ص) پرسیدند به چه کسی احسان کنیم؟ فرمودند: مادر. گفتند بعدش چه کسی؟ فرمودند: باز هم مادر. گفتند بعدش؟! فرمودند: باز هم مادر. پرسیدند بعدش؟! در بار چهارم فرمودند: پدر. امام سجاده(ع) در رساله حقوق می‌فرمایند: از عهده تشکر از والدین کسی نمی‌تواند برآید جز به پاری و توفیق خدا.

تورالتقلین از رسول خدا(ص) روایت می‌کند پیش از پدر نشینید و جلوی راه نرود و با اسم کوچک صدايش تکنید و کاری نکنید دشنامش دهند. پس از مرگ هم، بر والدین درود فرستید و مغفرت بخواهید و قرض‌شان را بردهید و به عهدشان وفا کنید و با دوستان‌شان صلح کنید. تورالتقلین از امام رضا(ع) روایت می‌کند اگر والدینت بر مذهب حق نیستند، با آنها مدارا کن که رسول خدا(ص)

فرموده‌اند: بر دین رحمت مبعوث شدم، نه بریدن از والدین و خویشان.

تورالتقلین از رسول خدا(ص) روایت می‌کند همان‌طور که بر گردن فرزند، عقوق بار می‌شود و باید از آن پرهیز کند، بر گردن والدین هم عقوق نسبت به فرزند بار می‌شود و باید از آن تذیر کنند. سپس فرمودند: گاهی والدین فرزند را به عقوق نسبت به خود می‌کشاند، در این حال آنها مسبب گناه او هستند.

جلد هفتادودوم بحارالانوار از امام صادق(ع) روایت می‌کند خداوند در ۳ مورد استثنا را قبول نکرده: پدر و مادر که حتی اگر بدی کنند، تو باید احسان کنی، وفا به عهد حتی اگر طرف تو کافر و فاجر باشد؛ پس دادن امانت حتی اگر طرف تو کافر و فاجر باشد.

مستدرک از امام صادق(ع) روایت می‌کند هیچ طاعتی مثل احسان به والدین نیست اما اگر تو را به بی‌دینی یا شک در دین یا امری که مرضی خدا نیست، یا به کسب دنیا و وانهادن آخرت دعوت کردند، نافرمانی‌شان طاعت خداست و اطاعت کردن‌شان معصیت است اما با این حال با آنها تا جایی که می‌شود خوش‌رفتار باش و مدارا کن؛ به عوض زحمتی که در کودکی برای تو کشیده‌اند.

تورالتقلین از امام صادق(ع) روایت می‌کند والدین معنوی هر کس رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) هستند و اگر با عمل به فرامین آنها، حق‌شان را ادا کنی و با بجا آوردن طاعات به آنها احسان کنی، کاستی‌هایی که در احسان به والدین صلیبی، نواب کسب می‌کند. جلد دهم بحارالانوار

نورالتقلین از امام صادق(ع) روایت می‌کند والدین معنوی هر کس رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) هستند و اگر با عمل به فرامین آنها، حق‌شان را ادا کنی و با بجا آوردن طاعات به آنها احسان کنی، کاستی‌هایی که در احسان به والدین صلیبی جبران می‌شود

و به‌قدر فضل پیامبر بر والدین صلیبی، ثواب کسب می‌کند. جلد دهم بحارالانوار از امیرمؤمنان(ع) روایت می‌کند عبارت «لَا تَقُلْ لَهُمَا أَف» نسبت به دوستان ایمانی نیز برقرار است. پس اگر کسی به برادر مؤمنش آف بگوید، رشته برادری میان‌شان سست می‌شود.

بخندند احسان به والدین صلیبی جبران می‌شود و نسبت به والدین خصوصا - منوط به «وَأَب» شدن شده است. راجع به این بیفت در آیه ۱۷ سوره ص داریم: وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ مؤمن باید «وَأَب» باشد. «وَأَب» کسی است که دائم‌المناجات است و پیوسته با خدا تکلم می‌کند. چند واژه هست که بین‌شان اشتقاق است، یعنی از حقیقتی واحد مشتق شده‌اند: یکی توبه، دیگری اوبه و سومی نوبه.

توبه برگشتن به درگاه خداست پس از مدتی غیبت، اوبه با خدا راز گفتن است و نوبه زیاد به‌درگاه خدا آمدن. مؤمن باید هر ۳ صفت را داشته باشد، آن‌هم به شکل مبالغه یعنی باید توباب و اواب و منیب باشد. یعنی باید بعد و دوری و غفلتش را با توبه‌های سدام جبران کند (توباب). توبه که کرد آشنای این درگاه باشد و دائم به در خانه خدا بیاید (منیب) و هر بار که آمد بسیار با خدا حرف بزند(اواب).

انابه زیاد آمدن است و اواب، زیاد ماندن. جلسات پی در پی عبادت داشتن، انابه است و در آن جلسات با خدا پرچانگی کردن اوب است و همه اینها یک مقدمه لازم دارد که توبه است. با توبه بنده از غفلت می‌برد و عزم بر دوستی با خدا می‌کند، سپس به کرات به عبادت و ذکر حق برمی‌خیزد و حسین آنها با خدا انس می‌گیرد و هم‌کلام می‌شود و معاشرت می‌کند. سپس دعاهای طولی و زیبا و بلندی عرفه و ابوحمزه و کمیل و مناجات‌خمس‌عشر، حاصل و ثمره اواب بودن امامان ما علیهم‌السلام است. آنها را دریابیم و از آنها بیاموزیم. پس اواب بودن انسان را مشمول مغفرت خدا می‌کند و معنای آن آشنای کوی دوست بودن است و نتیجه‌اش می‌شود کثرت ذکر و عبادت و مناجات. در حدیثی در جلد هشتم بحارالانوار به کثرت تسبیح، مصداق یابی شده. یعنی اگر انسان اهل ذکر باشد، خطب و خطاهایش خصوصا نسبت به والدین بخشیده می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به حق عظیمی که والدین دارند، معمولا هیچ کس قادر به رعایت کامل حقوق ایشان نیست، پس قطعا مقدار زیادی از کاستی قهری در این باب، باید با کثرت ذکر و عبادت و دعا و مناجات تدارک شود.

از مهم‌ترین کلیدها در این باره، کثرت دعا برای والدین است که در آیه قبل به آن اشاره شد. همچنین مؤمن می‌تواند والدین خویش را در ثواب عبادت‌هایش شریک کند. اینها اسباب غفران است.

یک نکته جالب هم در این آیه هست که از دید اکثر مفسران دور مانده: این آیه اصالت را به نیت انسان می‌دهد و می‌گوید عمده، نیت آدمی است. این مسأله در رابطه بسا پدر و مادر خیلی به کمک آدم می‌آید، چون هیچ کس بدخواه والدینش نیست.

ذیل عبارت «فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا» در روایات هست که هر کس می‌خواهد از اوابین شود، نماز قاطمه(ص) را بخواند، گفتند چگونه است؟ امام(ع) فرمودند: نمازی است که ۵۰ سوره توحید در آن خوانده شود.

تورالتقلین از امام صادق(ع) روایت می‌کند اوابین ویژگی‌هایی دارند، از جمله ورع و سخت‌کوشی و امانتداری و حسن خلق و راستگویی و از همه مهم‌تر، طول سجود. \* مفسر قرآن

این مسیر تنها متعلق به شماست.  
اینترنتی "کاملا" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

**رسپینا**  
بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

شرکت دادپژداری رسپینا  
(مجموعی خاص - شماره ثبت ۱۳۳۱۱)  
دارای پرتال E2E به شماره ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰  
از میان‌های تعمیرات و نگهداری خودرو

تلفن: ۰۲۱-۹۲ ۰۰ ۰۰ ۰۰ ۰۰

www.respina.net